

آیا می توانم به کتاب مقدس اعتماد کنم؟

نویسنده: شبان حسین مردشتی

نویسنده؛ شبان حسین مردشتی

شهر خدای زنده

کلیسای برای همه ملتها

Hendrik Consciencestraat 26
2300 Turnhout
clg.turnhout@yahoo.com

چاپ اول؛ آوریل ۲۰۰۳

بلژیک - سال ۲۰۱۷ خداوند ما عیسی مسیح

مقدمه

کلام خدا و صحت و سندیت و اعتبار آن ، همواره موضوع یکی از جنجالی‌ترین مباحث در عرصه‌های علمی و خداشناسی بوده است. بسیاری از مردمان به عبث ، سعی در بی اعتبار نشان دادن آن نموده‌اند ؛ بسیاری که یا با پذیرفتن حقیقت وجود خدا به عنوان خالق ، نگره‌دارنده ، ناظم ، حاکم و قدرت مطلق این کائنات مشکل دارند و یا اینکه حقیقت مندرج در کلام خدا ، با منافع فردی و یا گروهیشان تضاد داشته و آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

این سؤال حتی به گونه‌ای دیگر نیز ممکن است در ذهن مؤمنین به مسیح ایجاد شود. برخی ممکن است گرفتار این اندیشه گردند که آیا کتاب مقدس واقعاً صحت دارد؟ یا اینکه آیا کتاب مقدس واقعاً تحریف شده و یا منسوخ گردیده است؟ آیا امروز ما هم می‌توانیم مانند مسیحیان قرون اوّل کتاب مقدس را با اطمینان و اعتماد عمیق به عنوان چراغ راه خود و صخره‌ای استوار برای اتکا کردن بپذیریم؟

در این راستا توجه به این نکته ضروری است که ما مسیحیان ، کتاب مقدس را پرستش نمی‌کنیم. کتاب مقدس برای ما ، مانند علائم راهنمایی و رانندگی است که مسیری خاص را مشخص می‌کند. ما را به سمت یک فرد ، عیسی مسیح هدایت می‌کند. به یاد داشته باشید که ایمان به کلام خدا برای نجات کافی نیست. ما باید به کسی ایمان بیاوریم که کلام خدا او را به عنوان تنها راه نجات معرفی می‌کند. درست به همان گونه که علائم رانندگی خودشان ما را جایی نمی‌برند ، بلکه تنها ما را به آن سمت هدایت می‌کنند.

لازم به تذکر است که هدف از تهیه این کتابچه بررسی اجمالی دلائل صحت کتاب مقدس است و بدیهی است که پرداختن عمیق به این مسئله در حوصله آن نمی‌گنجد. اما در عین حال ، تصوّر ما این است که دلائل و اطلاعات آمده در این کتابچه برای متقاعد کردن و یا لاقبل به پویش و تکاپو در آوردن هر ذهن حقیقت جو ، حتی بیشتر از حد لازم می‌باشد. این کتابچه به سه قسمت تقسیم شده است. در قسمت اوّل ما به بررسی نظریه صحت کتاب مقدس پرداخته و در مورد اهمیت حصول اطمینان در این زمینه گفتگو خواهیم کرد. در نتیجه و به طور اجمالی ، برخی از دیدگاه‌های منتقدین آن را بررسی نموده ، تفاوت آن را با سایر کتب دیده و نظر کتاب مقدس را در این رابطه مطالعه خواهیم نمود.

در قسمت دوم ما به بررسی و اثبات صحت کتابمقدس از طریق مطالعه و شناخت درستی متن آن ، دقت به اثبات رسیده مطالب مندرج در آن و نیز تأثیر عمیقی که بر دنیای اطراف ما داشته ، خواهیم پرداخت. این قسمت همچنین به طور اجمالی و خلاصه به چگونگی حصول کتابمقدس ، آن گونه که امروز در اختیار ماست ، اشاره خواهد داشت.

در قسمت سوم ما تنها به ذکر سخنان مردان مشهور تاریخ درباره کتابمقدس پرداخته‌ایم. لطفاً این نکته را فراموش نکنید که بیان این سخنان به معنای پذیرش تمام افکار و اعمال ایشان نبوده ولی در آن واحد چیزی هم از جالب توجه بودن آنها نمی‌کاهد.

امید و دعای من این است که برکت روحانی این تلاش خالصانه ، شامل حال تمامی شما محبوبان خدا گردد.

برادر شما در نام بی همتای خداوندان مسیح عیسی

شبان حسین مردشتی

کلیسای شهر خدای زنده

فَسْمَةُ اَوَّلِ

بیا بید کمی در اطراف این مسئله کنکاش کنیم
ایرادهایی که بر اعتبار کتابمقدس گرفته شده است
این کتاب با سایر کتب تفاوت دارد
شهادت کتابمقدس در مورد خود



بیابید کجاست در اطراف این مسئله کنکاش کنیم

شاید از خود پرسید که چرا بایستی در حواشی این سؤال تعمق نمود؟ پاسخ این سؤال را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

(۱) سوء تفاهم‌های موجود

الف - مسئله اسلام

یکی از جوانبی که مطالعه و ایمان به صحت کتاب‌مقدس را ضروری می‌نماید، مسئله اسلام و عقاید مسلمانان در مورد دین و آیینشان می‌باشد. مسلمانان اعتقاد دارند که دینشان آخرین و کامل‌ترین ادیان است. اگر چه هدف ما بررسی این ادعا، صحت و صغم آن نیست، اما ذکر این نکته ضروری است که اولین نگاه و مقایسه اعتقادات آنان با آموزش کتاب‌مقدس، مشخص‌کننده تفاوتی است که بین آن‌ها وجود دارد.

در طول دوره خدمت خود به عنوان خادم مسیح و در جریان گفتگو یا دوستان عزیز مسلمان یکی از سؤالاتی که دائماً با آن روبرو شده‌ام این است که: "آیا این حقیقت دارد که در کتاب‌مقدس نبوتی از زبان مسیح در این رابطه وجود دارد که بعد از او پیامبری ظهور خواهد کرد که نامش احمد است؟"

ممکن است این سؤال برای شما نیز پیش آمده باشد. در پاسخ به این سؤال من توجه شما را به سخنان عیسی مسیح در این باره که در انجیل یوحنا ثبت شده، جلب می‌کنم؛ "عیسی بدو گفت: من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید" (انجیل یوحنا ۱۴: ۶).

استدلال مسلمانان برای توجیه وجود این تفاوت این است که کتاب‌مقدس مسیحیان تحریف شده است. البته پر واضح است که این ادعا موجب ایجاد سوء تفاهم‌ها بسیاری گردیده که راه حل از بین رفتن آن در بررسی دقیق کتاب‌مقدس

آیا می‌توانیم به کتاب مقدس اعتماد کنیم؟

می‌باشد. کسانی که به مسئله تحریف کتاب مقدس اعتقاد دارند بایستی از خود این سؤال را پرسند که این اتفاق در چه زمانی افتاده است؟ آیا قبل از ظهور اسلام بوده و یا اینکه بعد از آن؟

قبل از ظهور اسلام: اگر استدلال این عزیزان این است که این اتفاق قبل از ظهور اسلام افتاده بوده است، این سؤال پیش می‌آید که چرا کتاب قرآن هیچ اشاره‌ای بر این مدعی نداشته و حتی در کمال تعجب بر اهمیت و صحت کتب پیشین صحه می‌گذارد؟ در این جا ما تنها به دو مرجع از کتاب قرآن اشاره می‌کنیم:

"پس هرگاه شک و ریبی از آنچه به تو فرستادیم در دل داری از پیشینیان خود علماء اهل کتاب پرس." (سوره یونس، آیه ۹۳).

"ای پیغمبر با اهل کتاب بگو که ای یهود و نصاری شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و آنچه خدا به شما می‌گوید، قیام کنید..." (سوره مائده، آیه ۶۷).^۱

بعد از ظهور اسلام: اگر تصور شما بر این است که کتاب مقدس بعد از ظهور اسلام تحریف شده است، دانستن این نکته شاید برایتان جالب باشد که در قرون ۷، ۸ و نهم نسخ کتاب مقدس، آن گونه که امروز در دسترس ماست، در تمام دنیا پخش شده بود و همان گونه که بعداً نشان خواهیم داد، احتمال تحریف آن اصلاً وجود نداشته است.

ب - مسئله سایر فرقه‌های الحادی

دلیل دیگر برای اهمیت ایمان داشتن به صحت و کامل بودن کتاب مقدس، وجود فرقه‌های الحادی نظیر شاهدان یهوه، مормونها و ادوانتیستهای روز هفتم می‌باشد.^۲ این گروه‌ها در لوای نام مسیح و با ادعای داشتن بهترین و خالص‌ترین

^۱ لطفاً توجه داشته باشید که استفاده از مراجع اسلامی در این جزوه به این معنی نیست که رهروان مسیحیت راستین آن را به عنوان مرجع صاحب اقتدار و اختیار برای ایمان خود می‌دانند. اگر چه، از آنجایی که دوستان عزیز مسلمانی که احتمالاً خواننده این جزوه هستند آن را صاحب قدرت و اختیار می‌شمارند، لااقل بایستی واقعیت تاریخی و شهادت آن را بپذیرند.

^۲ (Jehovah's Witnesses, Mormons and The Seventh Day Adventist) درباره این فرق الحادی و آموزش‌های غلط و مشرکانه آن‌ها، جزواتی توسط نویسنده تهیه شده که در دسترس علاقمندان قرار دارند.

آموزش مسیحی ، در واقع منتشر کننده مطالب کفرآمیز و نادرست درباره خدا و شخصیت مسیح می‌باشند. بعضی از این‌ها در متن و آموزش کتابمقدس دست برده و برخی حتی پا فراتر گذاشته و با زیر سؤال بردن کیفیت کتابمقدس به اختیار خود ، کتب دیگری به آن افزوده‌اند.

(۲) اهمیت آن

بررسی صحت کتابمقدس از یک جنبه دیگر دارای اهمیت حیاتی است. این جنبه از یک طرف مربوط به ایمانداران مسیحی است و از طرف دیگر به کسانی که هنوز به او ایمان نیاورده‌اند.

الف - برای ایمانداران

شاید از خود پرسید که این نکته چه اهمیتی ممکن است برای ایمانداران مسیحی داشته باشد. بالاخره آن‌ها ایمان دارند! هر فرد ایماندار به مسیح در مقابل سؤال‌هایی قرار دارد که پاسخ مناسب و خداپسندانه دادن به آن‌ها منوط به ایمان مطلق به کلام خداست. برخی از این سؤال‌ها به قرار زیر هستند :

- * آیا آنقدر به کتابمقدس اعتماد داریم که فرامین آن‌را به اجرا بگذاریم؟
- * آیا آنقدر به کتابمقدس اعتماد داریم که از قوانین آن تبعیت کنیم؟
- * آیا آنقدر به کتابمقدس اعتماد داریم که وعده‌های آن را از خدا طلب کنیم یا به انتظار تحقق آن‌ها بمانیم؟

ب - برای بی‌ایمانان

- * با کتابمقدس می‌خواهید چه کار کنید؟

اگر بهر دلیلی خود را عضو این دسته می‌بینید ، طرح این سؤال بسیار ضروری است که آیا شما با کتابمقدس دچار مشکل هستید و یا اینکه به طور اساسی با مسئله وجود خدای ازلی و ابدی به عنوان خالق ، نگاه‌دارنده و داوری کننده این کائنات دارای مشکل هستید؟ اگر از دسته دوم محسوب می‌شوید ، توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که هدف



این کتابچه اثبات وجود خدا نیست. کلام خدا به وضوح به ما می‌آموزد که ؛ "احمق در دل خود می‌گوید که خدایی نیست" (مزمور ۱۴ : ۱ و ۵۳ : ۱).

امیدوارم که این صراحت لهجه باعث آزرده شدن خاطر شما نشده باشد چرا که برای بیان کلام خدا هیچ‌گاه از کسی معذرت نخواسته و هدف ما نیز عذر خواهی بابت اعلام حقیقت نیست. اما دوست عزیز ، من از صمیم قلب اطمینان دارم که اگر شما دارای ذهنی حقیقت جو باشید ، مطالعه این جزوه تا انتها برای شما بسیار مفید است زیرا حقایق را در اختیار شما قرار خواهد داد که غیر قابل انکار می‌باشند.

اما اگر به وجود خدا ایمان دارید. اگر در دل خود می‌دانید که بساط این کائنات روزی برچیده شده و همه ما در مقابل تخت داوری او خواهیم ایستاد و تنها مشکل شما پذیرفتن کتابمقدس به عنوان کلام زوال ناپذیر و مکاشفه ابدی او برای نسل بشر است ، توجه دقیق شما را به آنچه پس از این آمده جلب می‌کنم.

ایرادهایی که بر اعتبار کتابمقدس گرفته شده است

من اخیراً آماری را در مورد نشر کتاب در ایالات متحده می‌خواندم که دانستن آن برای شما نیز شاید خالی از لطف نباشد. در آمریکا هر ساله بیش از ۵۰۰۰۰ جلد کتاب در زمینه‌های مختلف به چاپ می‌رسد. اما به زعم بسیاری، هنوز در بین این تنوع بازار کتاب، کتابمقدس برای خود مکانی خاص دارد، زیرا تنها کتابی است که به ما در مورد نحوه یافتن خدا، زندگی درست و دریافت زندگی جاودانی آموزش می‌دهد.

البته بایستی گفت که هنوز تعداد زیادی از مردم وجود دارند که با این نظر موافق نیستند. آن‌ها می‌گویند که کتابمقدس پُر از خطا و اشتباه بوده و به طور یقین نوشته خدا نیست. در ادامه برخی از استدلال‌های این گروه را برای اطلاع شما، ذکر می‌کنیم؛

(۱) کتابمقدس از نقطه نظر علمی دارای دقت نیست

این دسته به خاطر طرز فکر طبیعت‌گرایشان، قادر به پذیرش روایاتی که مربوط به معجزات خدا می‌شود، نیستند. کلام خدا سرشار از روایت‌های معجزاتی است که به قدرت خدا انجام شده‌اند.

برخی از این معجزات که برای ذهن انسان جسمانی غیر قابل درک و فهم است از قرار زیر می‌باشند؛

- * چگونه خورشید از حرکت باز ایستاد؟ (یوشع ۱۰ : ۱۲ - ۱۳).
- * چگونه خدا از آسمان به بنی اسرائیل خوراک داد؟ (خروج، اعداد، تثنیه، یوشع، نحمیا و مزمور ۷۸ : ۲۴).
- * چگونه یونس بمت سه روز در شکم آن ماهی بزرگ زنده ماند؟ (یونس ۱ : ۱۷).

کسانی که چنین سؤالاتی را مطرح می‌کنند از دانستن یک حقیقت بسیار مهم محروم هستند؛ اینکه خدای ما خدای ماوراءالطبیعه، خدای اعمال خارق‌العاده است.

(۲) کتابمقدس از نقطه نظر تاریخی دارای دقت نیست

بن دسته قادر به پذیرش حقیقت تاریخی کتابمقدس نیستند زیرا انتظار دارند که ردّ پای تمامی اسامی و وقایع قید شده را به نوعی در مکاشفات باستان شناسی پیدا کنند. این عقیده در ظاهر هیچ ایرادی ندارد اما بایستی در نظر داشت که عمر ما نسبت به پیشرفتِ علم باستان شناسی بسیار محدود است ؛ و این تصمیم امروز من و شماست که آینده و ابدیت ما را مشخص می‌کند. نکته اساسی در این جاست که اغلب کسانی که به دنبال شواهد ملموس و روشن هستند ، برای اثبات نظرات خود هیچ شاهی ندارند!

(۳) کتابمقدس منسوخ شده است

این دسته اگر چه هنوز از کتبی که حتی بیش از دو هزار سال قبل نوشته شده‌اند ، به عنوان کتب مرجع استفاده می‌کنند و در صحت و اعتبار آن هیچ شکی ندارند ، اما به عنوان بنیان‌گذاران فلسفه و نظریه‌های به اصطلاح نوین در زمینه حیات ، این‌گونه استدلال می‌کنند که کتابمقدس حرفی برای زدن در جامعهٔ امروزی بشری ندارد. خصوصاً وقتی گفتگو از جنسیت ازدواج ، اصول اخلاقی و کار و پیشه است.

نگاهی آگاهانه به چنین انگیزه‌هایی ، نمایانگر استاندارد دوگانه ایشان در این زمینه است ؛ افکاری قدیمی که عدم کارایی آن‌ها به همگان ثابت شده را ترویج می‌نمایند در حالی که افکاری خدایی که کارآمد و درست هستند را با بی‌شرمی کهنه و بی ربط می‌خوانند.

(۴) کتابمقدس کار دست بشر است

این دسته بر این تصور هستند که کتابمقدس زائیدهٔ خلاقیت ذهن بشر و حاصل رسومات موهوم گرا و اساطیر باستانی مردمان قرون وسطی می‌باشد. آن‌ها به کتابمقدس و اساطیر یونان باستان با خدایان کوه المپ آن و یا نوشته‌های کنفوسیوس و یا حتی کتاب محمد ، به یک چشم نگاه می‌کنند. در نتیجه ، برای ایشان کتابمقدس تنها یک کتاب مذهبی دیگر است. بسیاری از مردمان این حقیقت که کتابمقدس ، کلام خداست را ، نپذیرفته‌اند. آن‌ها حتی با این حقیقت که می‌توان به کتابمقدس برای زندگی و اطلاع از مقصد نهایی خود اتکا نمود ، به شدت برخورد نموده ، معترض گشته‌اند.

آیا می‌توانم به کتاب مقدس اعتماد کنم؟

اما آن گونه که خواهیم دید ، انکار کتاب مقدس مانند بستن چشمانمان به روی تمامی شواهدی است که حقیقت و صحت آن را اثبات می‌کنند. اما مهم‌ترین زیان حاصل از این دیدگاه ، نادیده گرفتن نیاز روحانی انسان و آزادی و نجات موجود در پیام آن است.

این کتاب با سایر کتب تفاوت دارد

تنها تفاوت کتاب مقدس با سایر کتب ، در اینکه از جانب خدا آمده نیست. مسلمانان نیز ادعا می‌کنند که قرآن توسط فرشته مقرب ، جبرائیل به محمد نازل شده است. جوزف اسمیت ، پایه گذار مورمونیزم ، ادعا کرده که خدا مکاشفه مخصوصی که بر روی لوح‌های طلایی حک شده بود را به وی عطا کرده و ادیان دیگر نیز، بر اینکه کتب مقدسشان از جانب خدا نازل شده، تأکید دارند. اما کتاب مقدس از جهات زیر با تمامی کتب دیگر متفاوت است ؛

(۱) چشم اندازی که از خدا ارائه می‌دهد

- الف - کتاب مقدس خدا را به عنوان "خداوند مقتدر همه جهان" معرفی می‌کند ؛ (اول تواریخ ۲۹ : ۱۱).
- ب - کتاب مقدس خدا را به عنوان "خداوند رحم ، عشق و نیکویی" معرفی می‌کند ؛ (مزمور ۱۴۵ : ۹).
- پ - کتاب مقدس خدا را به عنوان "خداوند یگانه" معرفی می‌کند ؛ (تثنیه ۶ : ۴).

ادیان دیگر خدا را به صورت موجودی سخت گیر ، انتقام جو و بدون محبت مجسم نموده‌اند. مورمونها اعتقاد دارند که خدایان بی شماری وجود دارند. خدایانی که خود در ابتدا انسان بوده‌اند و اینکه انسان این قابلیت را دارد تا روزی مبدل به خدا شود. در طرف مقابل ، کتاب مقدس اعلام می‌دارد که خدای یگانه ، در قالب بی همتای عیسی مسیح به صورت انسان در آمد.

یکی از کارشناسان انگلیسی تبار در مقایسه ادیان بنام "جی. ن. د. اندرسون" در کتاب خود به عنوان مسیحیت و دین ، صفحه ۵۱ این گونه می‌نویسد ؛ "ادیان دیگر ممکن است به واقع شامل این اعتقاد باشند که خدا ، چه خدای یگانه و یا خدایان متعدد ، خود را زمانی به بشر و به دفعات و در قالب انسانی آشکار نمودند...

اما تنها این مسیحیت است که جرئت اعلام نمودن این مسئله را داشته که خدای یکتا ، قادر مطلق و آگاهی مطلق تمامی موجودات به طوری خاص در امور زندگی مخلوقات خود وارد شده ، و نه تنها از طریق گرفتن ظاهر انسانی بلکه در واقع از طریق تجسد."

(۲) چشم اندازی که از بشر ارائه می‌دهد

در حالی که کتب مقدس مذاهب دیگر انسان را جلال داده و یا از موقعیت حقیقی، وی را پایین‌تر می‌آورند، این کتابمقدس است که تصویری متوازن و واقعی از او را ارائه می‌دهد.

الف - کتابمقدس انسان را بیش از آنچه هست نشان نمی‌دهد.

آن گونه که هراکلیتوس^۱ گفته؛ "خدایان، انسان‌های نامیرا هستند و انسان‌ها، خدایان میرا هستند."

ب - کتابمقدس انسان را کمتر از آنچه هست نشان نمی‌دهد.

آن گونه که یکی از روانشناسان معاصر بنام بی. اف. اسکینر می‌گوید؛ "انسان چیزی جز یک ارگانیزم پیچیده نیست که تحت کنترل شرایط محیط اطرافش قرار دارد." اما کتابمقدس هر دو جنبه انسان را می‌بیند؛

الف - در مورد خلقتش به صورت و شباهت خدا می‌گوید

"پس خدا آدم را به صورت خود آفرید..." (پیدایش ۱: ۲۷).

ب - ریشه مشکل بشریت را به وضوح اعلام می‌دارد

"زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند" (رومان ۳: ۲۳).

پ - در مورد عواقب گناه بشر پرده پوشی نمی‌کند

^۱ فیلسوف یونانی که در سال ۵۰۰ قبل از میلاد می‌زیسته و عقیده داشت که عالم وجود مرکب و متشکل از عناصر اربعه است. او همین‌طور به فیلسوف‌گرایان معروف است. او می‌گفت که همه چیز در تغییر و تحول است و هیچ چیز ثابت نیست جز "کلمه" (Logos) که قانون کلی و عامل حاکمه جهان وجود است و این همان آتش است.

"زیرا که مزد گناه موت است ... " (رومیان ۶ : ۲۳).

ت - نقش انسان‌ها را در رفع مشکل مشخص می‌کند

"زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد" (انجیل یوحنا ۳ : ۱۶).

ث - به انسان برای آینده امید می‌دهد

"... اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح" (رومیان ۶ : ۲۳).

"... من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیاده‌تر حاصل کنند" (انجیل یوحنا ۱۰ : ۱۰).

"و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت" (مکاشفه ۲۱ : ۴).

۳ چشم اندازی که از نجات ارائه می‌دهد

نجات ، آن گونه که در کتاب مقدس معرفی شده است ، با دیدگاه‌های غیر انسانی و ظالمانه مذاهب دنیوی کاملاً متفاوت است ؛

الف - هندوها برای بدست آوردن لطف خدا ، اغلب دست به کارهای سخت و حتی خودآزاری می‌زنند.

ب - بودایی‌ها برای خود مراحل هشت‌گانه خودداری و ریاضت کشی را دارند.

پ - مسلمانان برای مورد تائید خدا قرار گرفتن ، از یک سلسله ممانعت‌های غذایی ، روزه و دعا بایستی تبعیت کنند.

اما کتابمقدس نجات را نه از طریق اعمال بلکه در یک فرد ، عیسی مسیح ، معرفی می‌کند. نجات از دیدگاه کتابمقدس نه از طریق اعمال انسانی بلکه از طریق فیض – که هدیه خداست – با ایمان میسر است.

۴ چشم اندازی که از حقیقت ارائه می‌دهد

در حالی که کتب دیگر دینی مشحون از ادعاها و فلسفه بافی‌های تأیید نشده‌اند ، حقایق جغرافیایی و تاریخی پشتیبان تمامی آنچه در کتابمقدس آمده ، می‌باشد. این حقیقت در واقع دلیل اصرار مسیحیان قرن اول بر مژده عیسی مسیح رستاخیز یافته ، می‌باشد. مردم پیام آن‌ها را نه فقط بر اساس کلام آن‌ها که بر پایه حقایق مستند ، می‌پذیرفتند.

اگر کتابمقدس قادر به ارائه شواهدی مستدل در زمینه حقیقت نزول آن از جانب خدا می‌باشد پس این دلیلی خوب برای پذیرش قدرت و اختیار آن است. این دقیقاً همان الگویی است که ما در سایر جهات زندگی از آن استفاده می‌کنیم. برای مثال ، وقتی ما بیمار می‌شویم ، برای معاینه و درمان پیش نقاش نمی‌رویم. در عوض به دنبال فردی صاحب صلاحیت برای این کار می‌رویم. در این جا اجازه بفرمایید با هم در جوانب عمیق‌تر زندگی تعمق کنیم ؛

- الف - در مورد تصمیمات اساسی زندگی با که مشورت می‌کنیم؟
- ب - برای دانستن و تشخیص درست از غلط به کجا می‌رویم؟
- پ - هنگامی که احساس گناه و ضعف تمام وجود ما را پُر کرده ، به که و یا کجا روی می‌آوریم؟
- ت - چطور می‌توانیم رهایی خود را به دست آورده ، اطلاعات لازم در مورد آینده و امید زندگی در ورای گور را بدست آوریم؟

یکبار دیگر ذکر این مسئله ضروری است که اگر ما شواهد لازم برای اثبات این حقیقت که کتابمقدس، کلام خدا است را بپذیریم ، آنگاه ما دارای کتابی خواهیم شد که قابل اطمینان و اعتماد است. کتابی که هیچ کتاب دیگری در دنیا به پای آن نرسیده و توان رقابت با آن را ندارد.

شهادت کتابمقدس در مورد خود

شواهد موجودِ صحت کتابمقدس ، با اظهارات غیر معمول اطراف آن آغاز می‌شود. در حین مطالعه کتابمقدس ، اولین نکته‌ای که نظر ما را به خود جلب می‌کند این است که تمامی نویسندگان آن کاملاً متقاعد بودند که این کلام از جانب خداست. ما در این مبحث به بررسی سه دسته از اظهارات در این رابطه خواهیم پرداخت :

(۱) کتابمقدس بر صحت خود شهادت می‌دهد

کتابمقدس در وهله اول اعلام می‌کند که کلام خدا برای بشر است (دوم تیموتاوس ۳ : ۱۶ و دوم پطرس ۱ : ۲۰ - ۲۱). اگر چه به زعم بعضی ، این دلیل به اندازه کافی ، برای پذیرفتن صحت آن قوی نیست ولی باید پذیرفت که برای شروع مکان بسیار مناسبی است. زیرا اگر کتابمقدس این کار را نمی‌کرد ، آنگاه ما بایستی آنرا فرض می‌کردیم. در این رابطه ، کتابمقدس اعلام می‌دارد که علیرغم اینکه توسط نویسندگان انسانی نوشته شده است اما در اصل کلام الهام شده خداست. باید پذیرفت که به عنوان کلام الهام شده خدا ، این کتاب می‌تواند قابل اعتماد باشد.

الف - مفهوم الهام یا مکاشفه

منظور از اینکه کتابمقدس الهام شده است ، چیست؟ در ابتدا بایستی گفت که منظور ما احساس و یا الهامی که به ذهن یک نویسنده و یا شاعر در هنگام نوشتن یک داستان و یا قطعه شعری می‌آید یا حتی راه حلی که به ذهن یک تعمیرکار در حین عیب یابی یک سیستم و یا تعمیر وسیله ای می‌آید ، نیست.

در حقیقت منظور این است که نوشتن تمامی اجزای کتابمقدس توسط خدا آغاز و تحت کنترل او انجام شده است. روح القدس ، به روشی مافوق الطبیعه موسی ، اشعیا ، متی پولس و سایر نویسندگان کتابمقدس را برای نوشتن پیام خدا به انسان ، هدایت نمود. این حقیقت در بسیاری از آیات کلیدی کتابمقدس ذکر شده است. در این مبحث ما به سه نمونه از آن‌ها اشاره خواهیم کرد :

"تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است" (دوم تیموتاوس ۳: ۱۶).

"و این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست. زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند" (دوم پطرس ۱: ۲۰ - ۲۱).

"که آن‌ها را نیز بیان می‌کنیم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آنچه روح القدس می‌آموزد و روحانی‌ها را با روحانی‌ها جمع می‌نمایم" (اول قرنتیان ۲: ۱۳).

ب - کتاب مقدس اعلام می‌کند که کلام قدرتمند، زنده و غیر قابل انهدام خداست

"آنچه از ابتدا بود و آنچه شنیده‌ایم و به چشم خود دیده، آنچه بر آن نگریستیم و دست‌های ما لمس کرد، درباره کلمه حیات. و حیات ظاهر شد و آن را دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم و به شما خبر می‌دهیم از حیات جاودانی که نزد پدر بود و بر ما ظاهر شد. از آنچه شنیده‌ایم و دیده‌ایم شما را اعلام می‌نمایم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید. و اما شراکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است" (اول یوحنا ۱: ۱ - ۳).

"زیرا که کلام خدا زنده و برنده تر است از هر شمشیر دودم و فرو رونده تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را و متمیز افکار و نیت‌های قلب است" (عبرانیان ۴: ۱۲).

"از آن رو که تولد تازه یافتید نه از تخم فانی بلکه از غیر فانی یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابدالاباد باقی است. زیرا که هر بشری مانند گیاه است و تمام جلال او چون گل گیاه. گیاه پژمرده شد و گلش ریخت. لکن کلمه خدا تا ابدالاباد باقی است. و این است آن کلامی که به شما بشارت داده شده است" (اول پطرس ۱: ۲۳ - ۲۵).

هم عهد قدیم و هم عهد جدید^۱، هر دو پیام خدا برای انسان‌های تمامی اعصار و قابل اعتماد است.

۲) مسیح بر صحت کتاب‌مقدس شهادت می‌دهد

برای همه ما حُسن اعتبار و شخصیت کسی که بر صحت و صُغَم مسئله ای شهادت می‌دهد و یا حتی تعدد شهود بسیار حائز اهمیت می‌باشد. البته هیچ کس برای حرف چوپان دروغ‌گو تره هم خُرد نمی‌کند و علت این مسئله البته کاملاً قابل درک است.

اما وقتی فردی که به خاطر درستکاری‌اش، دستگیری‌اش از مظلومان، کلمات حکیمانه‌اش، کارهای بزرگ و خارق‌العاده‌اش و همین‌طور زنده شدن فاتحانه‌اش پس از مرگ، شایسته اعتماد و احترام است چیزی را به ما می‌گوید، سخن او و هر نکته ای که مطرح می‌کند را بایستی بسیار جدی تلقی نمود. تنها کسی که به شهادت تاریخ دارای چنین خصوصاتی بوده، عیسی مسیح خداوند ما است.

در زمانی که عیسی بر روی زمین و در بین مردم بود، ادعای کتاب‌مقدس را در رابطه با کلام خدا بودن آن، تأیید نمود. از طریق چیزهایی که او در مورد کتاب‌مقدس گفت و نحوه استفاده از آیات آن، در واقع پسر خدا به ما نشان داد که کتاب‌مقدس حقیقتاً کلام خدا بوده و بنابراین دارای قدرت و اختیار است. در این باره لطفاً به نکات زیر توجه کنید :

الف - عناوینی که او برای کتاب‌مقدس استفاده کرد، نشانه صحت آن است

- * "کلام خدا" (انجیل مرقس ۷: ۱۳)، (انجیل یوحنا ۱۰: ۳۵).
- * "نوشته، کتب، کتاب آسمانی" (انجیل لوقا ۴: ۲۱)، (انجیل یوحنا ۵: ۳۹ و ۱۰: ۳۵).
- * "حکم خدا" (مرقس ۷: ۸).

^۱ لطفاً به این نکته توجه داشته باشید که این‌گونه تقسیم بندی‌ها توسط دانشمندان خداشناس برای تسهیل مطالعه کلام خدا ابداع شده و به هیچ وجه نشان رجحان و برتری کیفی نیست.

ب - او وقایع و افراد یاد شده در عهد قدیم را به عنوان حقایق تاریخی تأیید می‌کند

* "آدم و حوا" (انجیل متی ۱۹ : ۴ - ۵).

* "نوح و طوفان" (انجیل متی ۲۴ : ۳۷ - ۳۹).

* "یونس ، ملکه سببا ، سلیمان" (انجیل متی ۱۲ : ۳۸ - ۴۱).

* "لوط ، زن لوط و شهر سدوم" (انجیل لوقا ۱۷ : ۲۸ - ۳۲).

پ - او اظهارات خود را به عنوان کلام خدا و شایسته اعتماد اعلام می‌دارد

* (انجیل یوحنا ۱۲ : ۴۸ - ۴۹).

ت - او مردم را مسئول آنچه در کلام خدا نوشته شده بود ، اعلام کرد

* (انجیل متی ۱۲ : ۳).

ث - او از کتاب مقدس به عنوان تنها وسیله پاسخگویی به منتقدین خود ، استفاده می‌کرد

* (انجیل یوحنا ۱۰ : ۳۵) ، تکرار (مزمور ۸۲ : ۶) است.

* (انجیل متی ۲۲ : ۳۲) ، تکرار (خروج ۳ : ۶ ، ۱۵) است.

* (انجیل متی ۲۲ : ۴۲ - ۴۴) ، تکرار (مزمور ۱۱۰ : ۱) است.

ج - او از قدرت کلام خدا برای خنثی کردن وسوسه های شیطان در بیابان استفاده کرد

* (انجیل متی ۴ : ۴ ، ۷ ، ۱۰).

زمانی که عیسی بر روی زمین و بین مردمان بود ، کلام مجسم خدا صحت کلام مکتوب او را تأیید نمود!

نویسندگان کتاب مقدس بر صحت آن شهادت می‌دهند

نویسندگان کتاب مقدس نیز ادعای آن را حاکی بر کلام خدا بودن ، تأیید می‌کنند :

الف - از طریق نحوه نگرش و نظر آن‌ها در مورد کتب آسمانی

- * وقتی دانیال نبوتِ ارمیا را در مورد اسارت در بابل به مدت هفتاد سال خواند آن‌را به عنوان حقیقت پذیرفته و بر اساس آن شروع به دعا و برنامه ریزی نمود (دانیال ۹ : ۲).
- * پطرس رسول منشأ مافوق الطبیعه نوشته‌های پیامبران عهد قدیم را تأیید می‌کند (دوم پطرس ۱ : ۲۱).
- * پطرس همچنین منشأ مافوق الطبیعه نوشته‌های پولس را که فهم آن برای همه آسان نیست را می‌پذیرد (دوم پطرس ۳ : ۱۵ - ۱۶).
- * یوحنا ی رسول نوشته‌های رسولان دیگر و خود را به عنوان کلام الهام شده خدا و صاحب اختیار معرفی می‌کند (اول یوحنا ۴ : ۶).

ب - از طریق نگرش به خود ، به عنوان مکالمه کنندگان کلام خدا

- * اشعیا نبی کتاب خود را با اعلام این حقیقت آغاز می‌کند که : "... خداوند سخن می‌گوید ..." (اشعیا ۱ : ۲).
- * ارمیا نبوت خود را این گونه آغاز می‌نماید : "پس کلام خدا بر من نازل شده گفت ..." (ارمیا ۱ : ۴).
- * خدا به حزقیال مأموریت داد که نزد قوم رفته و به آن‌ها بگوید : "... خداوند یهوه چنین می‌فرماید ..." (حزقیال ۳ : ۱۱).
- * پولس رسول اعلام می‌دارد که کلام او مستقیماً از جانب خداست : (غلاطیان ۱ : ۱۱ - ۱۲) ، (اول تسالونیکیان ۲ : ۱۳).

به طور خلاصه می‌توان این گونه نتیجه گیری کرد که کتاب مقدس و عیسی مسیح و نویسندگان کتب همه بر منشأ خدایی بودن آن شهادت می‌دهند.

فلسفهٔ قرآن

متن حفاظت شده کتابمقدس
دقت و صحت اثبات شده کتابمقدس
تأثیر شگرف و عمیق کتابمقدس
کتابمقدس چگونه به دست ما رسیده است؟

منطق حفاظت شده کتابمقدس

یکی از نشانه‌های قابل اعتماد بودن کتابمقدس ، حفاظت خارق‌العاده متن آن از هر گونه تحریف و دست خوردگی است. این حفاظت در دو جنبه زیر قابل ملاحظه است ؛

(۱) وحدت در تنوع

نوشته‌های انسانی دارای دو خصوصیت مشخصه هستند ؛ یکی عدم وجود وحدت و دیگری تناقض است. کتبی که درباره یک موضوع توسط نویسندگان مختلف نوشته می‌شود ، دارای تناقض در فلسفه ، وقایع ، سبک و یا نقطه نظرات آنها می‌باشند. حتی آنهایی که توسط یک نویسنده نگاشته شده ، ممکن است دارای تضاد موضوعی و یا منطقی باشند. آنهایی که زندگی خود را صرف مطالعه کلام خدا نموده‌اند ، همواره از وحدت موضوعی و ثبات در آموزش و اصول آن در حیرت بوده‌اند.

زمانی به آقای "جاش مک داول" که یکی از دانشمندان معروف و از مدافعین مسیحیت است پیشنهاد خرید مجموعه "کتاب‌های بزرگ دنیای غرب" داده شد. این سری کتب شامل دست نوشته‌های رهبران جنبش تفکری در تاریخ تمدن غرب است. آقای مک داول از فروشنده این کتب خواست که ده نفر از نویسندگان یاد شده در این سری کتاب‌ها که در یک برهه از زمان ، با یک خط مشی ، در یک کشور و دارای یک زبان واحد هستند را انتخاب نموده و از آنها در مورد یک مسئله بنیادین زندگی سؤال کند. هدف این بود که آیا آنها با هم بر سر پاسخ به آن سؤال توافق دارند یا خیر. نماینده شرکت انتشاراتی در پاسخ گفت ؛ "شما شوخی می‌کنید؟ پاسخ به این سؤال آتش شله قلمکار (معجون نظرات) خواهد شد." البته نظر فروشنده این است که آن قدر پاسخ آنها متفاوت خواهد بود که گنجاندن آنها در یک مجموعه غیر ممکن است.

وحدت شگفت انگیز کتابمقدس یکی از عواملی است که شایسته اعتماد بودن آنرا برای ما به اثبات می‌رساند. از پیدایش تا مکاشفه ، کتابمقدس برای ما یک داستان یگانه را روایت می‌کند ؛ نجات انسان از گناه توسط مرگ عیسی مسیح. عهد قدیم او را به عنوان امید بشریت معرفی می‌کند و عهد جدید تحقق آن امید را به ما نشان می‌دهد.

حال اگر کتابمقدس در یک زمان و توسط یک نویسنده نوشته شده بود، درک وحدت موضوعی در آموزش کلی و حتی جزئیات مندرجه در آن مشکل نبود. اما اجازه بدهید تا با هم نگاهی در تنوع باور نکردنی منابع کتابمقدس داشته باشیم؛

- الف - کتابمقدس توسط چهل نویسندهٔ مختلف نوشته شده است.
- ب - کتابمقدس در یک دوره زمانی به قدمت ۱۶۰۰ سال نوشته شده است.
- پ - کتابمقدس به سه زبان عبرانی، یونانی و آرامی نوشته شده است.
- ت - نویسندگان کتابمقدس دارای خطوط مشی و سوابق کاملاً متفاوت هستند: در بین آن‌ها ما افراد بسیار متنوع با خصوصیات حتی متنوع‌تر از خود آن‌ها می‌بینیم. برخی از آن‌ها نبی خدا (ارمیا)، کاهن (زکریا)، چوپان (عاموس)، پادشاه (داود)، خادم (نحمیا)، دکتر و تاریخ نگار (لوقا)، باج گیر (متی) و حتی فریسی (پولس) بودند.
- ث - کتابمقدس در سه قارهٔ آسیا، آفریقا و اروپا نوشته شده است.
- ج - یک فاصلهٔ زمانی چهارصد ساله، کتب عهد قدیم و جدید را از هم جدا می‌کند. علیرغم این تنوع و گوناگونی، کتابمقدس یک کتاب واحد است. همان‌گونه که تنه، ریشه، شاخه‌ها و برگ‌ها اجزاء یک درخت می‌باشند، قسمت‌های مختلف کتابمقدس با هم یک مجموعه را تشکیل می‌دهند. کتابمقدس در زمینهٔ آموزش، جزئیات نبوت‌ها، آنچه در مورد عیسی مسیح فرموده و پیشکش نجات بشریت دارای وحدت و یکپارچگی کامل موضوعی است. کتابمقدس مجموعهٔ کتب مختلف در یک کانون مشترک و متحد است. کتابمقدس، کتابی قابل اعتماد است.

۲) حفاظت و نگهداری متن

کتابمقدس به علت حفظ معجزه آسای متن آن قابل اعتماد است. البته ذکر این نکته ضروری است که هیچ‌کدام از نسخ اصلی نویسندگان کتابمقدس در دسترس نیست. تمامی آن‌ها قرن‌ها قبل یا مفقود یا منهدم شدند. این مسئله باعث شده تا برخی از منتقدین کتابمقدس خلوص متونی که امروزه در دسترس ما قرار دارند را مورد سؤال قرار دهند. اما خوشبختانه ما می‌توانیم مطمئن باشیم که کتابمقدسی که در اختیار ماست، از متونی ترجمه شده که به دلایل فنی و عملی هیچ تفاوتی با متون اصلی ندارد. اجازه بدهید در اینجا به بررسی هر قسمت از کتابمقدس به طور مجزا بپردازیم؛

الف - عهد قدیم (عتیق)

کتب عهد قدیم عمدتاً به زبان عبرانی نوشته شده‌اند. آن‌ها بر روی کاغذ پاپیروس و یا طومارهای پوستی نگاشته می‌شدند و هنگامی که نسخه موجود دیگر قابل استفاده نبود، یک کپی تازه از آن تهیه می‌کردند و نسخه قدیمی را از بین می‌بردند.

اما این کار کپی کردن به آن آسانی‌ها که ما ممکن است تصور کنیم هم نبود. آن‌ها ماشین‌های چاپ پیشرفته امروزی را در دست نداشتند و تمامی مراحل توسط دست انجام می‌شد. برای جلوگیری از ایجاد هر گونه خطا دانشمندان کتاب مقدس در مراحل کپی نمودن نسخ، از قوانین بسیار سخت و دقیقی استفاده و پیروی می‌کردند. این روش با ظهور گروهی از دانشمندان یهودی در بین سال‌های ۵۰۰ تا ۹۰۰ میلادی بنام "ماسوریت‌ها" کامل گشت.

به خاطر روشی که ماسوریت‌ها بکار می‌بردند، با جرئت و اطمینان می‌توان اذعان کرد که تمامی متون عبرانی عهد قدیم از سال ۹۰۰ میلادی به بعد کاملاً عاری از نقص و خطا هستند. حال ممکن است این سؤال در ذهن شما پیش بیاید که تمامی کتب عهد قدیم سال‌ها قبل از آن تاریخ نوشته شده بودند. برای مثال، تاریخ نگارش کتاب ملاکی که آخرین کتاب عهد قدیم است، به سال ۴۰۰ قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. آیا دلیلی برای باور نسخ کپی شده قبل از آن تاریخ وجود دارد یا نه؟ این سؤال در سال ۱۹۴۷ با اکتشافات متونی از عهد قدیم که بعدها به طومارهای "دریای مرده" معروف شدند پاسخ داده شده است. مکاشفات و مطالعات باستان شناسی نشان می‌دهد که این نسخ بدست آمده، حداقل ۱۰۰۰ سال قبل از اولین نسخه ماسوریت‌ها کپی شده بودند و مقایسه متون آن‌ها هیچ‌گونه اختلافی را نشان نمی‌دهد. به این طریق به جرئت می‌توان گفت که عهد قدیم در طول تاریخ به درستی حفظ شده و در نتیجه ما آن‌را به عنوان کلام قابل اعتماد خدا، می‌توانیم مطالعه کنیم.

ب - عهد جدید

همه چیزهایی که در مورد عهد عتیق گفته شد، در مورد عهد جدید نیز صادق است. اگرچه متن آن هزاران بار نسخه برداری و در بین کلیساهای قرون اولیه منتشر شده بود به جرئت می‌توان گفت که گذر ایام هیچ لطمه‌ای به صحت متن

آن وارد نکرده است. دانشمندان عهد جدید و متخصصین متن شناس ، هزاران نسخه دست‌نویس کشف شده از عهد جدید را مورد مطالعه بسیار دقیق قرار داده‌اند.

آن‌ها این اطمینان را به ما داده‌اند که متنی که عهد جدید از روی آن ترجمه شده ، کاملاً مطابق نسخ اصلی نوشته شده توسط متی ، پولس و سایر نویسندگان عهد جدید می‌باشد. البته تفاوت‌های بسیار جزعی وجود دارند ، اما هیچ‌کدام از این تفاوت‌ها ، باعث تغییر معنی آیتی که در آن‌ها یافت شده‌اند ، نیست.

بیشتر این تفاوت‌ها در دیکته لغات است. برای مثال می‌توان از (Labour) که هجای انگلیسی به معنای "کار" است و (Labor) که هجای آمریکایی به همان معناست ، یاد نمود. با توجه به تعدد نسخ یافت شده از عهد جدید ، به جرئت می‌توان گفت که متون آن یکی از بهترین و مستندترین دست نوشته‌های زمان خود هستند. لطفاً به جدول زیر بعد توجه کنید :

عنوان کتاب	زمان نگارش	قدیمی‌ترین نسخه موجود	فاصله زمانی	تعداد نسخ خطی
تاریخ تاسیدایدُس	۴۶۰ - ۱۰۰ ق.م. ^۱	۹۰۰ میلادی	۱۳۰۰	۸
تاریخ هیروُدئوس	۴۸۸ - ۴۲۸ ق.م.	۱۱۰۰ میلادی	۱۳۰۰	۸
تاریخ تاسیتوس	۱۰۰ میلادی	۱۱۰۰ میلادی	۱۰۰۰	۲۰
تاریخ جنگ‌های کُلِ قیصر	۵۸ - ۵۰ ق.م.	۹۰۰ میلادی	۹۵۰	۹ - ۱۰
تاریخ روم لاوی	۵۹ ق.م. تا ۱۷ میلادی	۹۰۰ میلادی	۹۰۰	۲۰
عهد جدید	۴۰ - ۱۰۰ میلادی	۱۲۵ میلادی	۳۰ - ۳۱۰	توضیحات پاورقی ^۲

دو تا از یافته‌های سال‌های اخیر ، موجب افزوده شدن شواهد مهمی برای صحت و درستی متن عهد جدید گردیدند. اولین این شواهد ، کتابخانه کتب دست‌نویس (پاپیروسی) "رایلند" است. در این کتابخانه قسمتی از باب ۱۸ انجیل یوحنا

^۱ قبل از میلاد مسیح

^۲ بیش از ۵۰۰۰ نسخه به زبان یونانی ، ۱۰۰۰۰ نسخه به زبان لاتین و ۹۳۰۰ نسخه به زبان‌های دیگر.

وجود دارد که قدمت آن به سال ۱۲۵ میلادی می‌رسد. دومین آن ، کلکسیون پاپیروسی "چستر پیتی" است. این کلکسیون تقریباً شامل تمامی کتب عهد جدید که قدمت آنها بین سال‌های ۲۰۰ و ۲۷۵ میلادی برآورد شده ، می‌باشد.

کار و مطالعات موشکافانه متعددی که بر روی کتب عهد قدیم و جدید توسط دانشمندان برجسته که بیش‌ترشان هم مسیحی نیستند انجام شده ، تمامی دلایل را به ما برای صحت و تطابق متن آنها با متون اصلیشان می‌دهد ؛ حتی اگر این متون اصلی امروز در دسترس ما نیستند. این وحدت و حفاظت دلیلی دیگر برای قابل اعتماد بودن کتابمقدس است.

دَقَّة و صِدْقَة اثبات شده کتابمقدس

وقتی کتابمقدس در مورد وقایع تاریخی، علمی و یا آینده گفتگو می‌کند، درستی این مطالب می‌تواند دلیل دیگری برای صحت آن باشد. توقع شما از یک کتاب آشپزی چیست؟ شما مسلماً هیچ‌وقت به دنبال دستور طبخی که توسط یک آشپز که تمام عمرش غذایی جز شیربرنج نپخته، نمی‌روید. توقع اول شما این است که نویسنده دارای مهارت‌های لازم برای آشپزی بوده و بتواند تمامی اندازه‌ها و زمان‌های طبخ را به دقت در اختیار شما قرار دهد. به علاوه همه به دنبال خوراکی هستند که محتویات آن مقوی و مغذی نیز باشد.

اگر ما چنین توقعی از یک کتاب ساده آشپزی داریم، پس توقع ما تا چه حد بالاتر می‌رود هنگامی که با کتابی سر و کار داریم که ادعا می‌کند که محتوی کلام خدا بوده و بر اساس کار او و رابطه‌اش با انسان تدوین شده است. ما این حق را داریم که با توجه به اهمیت کتابمقدس، توقع بالاترین حد استاندارد در دقت و صحت را از مطالب آن، داشته باشیم. در این راستا این سؤال ممکن است پیش آید که، آیا نویسندگان کتابمقدس از ماهیت حقیقی کاری که می‌کردند، آگاهی کامل داشتند؟ آیا تاریخ، علوم و نبوت‌های کتابمقدس قابل اعتماد است؟

در کتابی که تاریخ نسل بشر و مکاشفه حضور خدا تا این حد با هم ادغام شده است، اگر دلیلی برای شک کردن به آنچه که در مورد بشر و این دنیا می‌گوید وجود داشته باشد، در نتیجه می‌توان به مطالب آن و آنچه در مورد خدا نیز می‌گوید دچار شبهه و شک گردید. اگر نادرست بودن حتی قسمتی از کتابمقدس را بتوان ثابت کرد این مسئله، صحت سایر بخش‌های آن را نیز با تردید و سوءظن مواجه می‌کند. اگر چه برای ما جای هیچ نگرانی وجود ندارد زیرا کتابمقدس درستی خود را در زمینه‌های تاریخ، علوم و نبوت‌های به انجام رسیده‌اش، نشان داده است.

(۱) صحت و دقت تاریخی کتابمقدس

کتابمقدس مدعی ثبت دقیق تاریخ حقیقی بشر می‌باشد. در سرتاسر عهد قدیم و عهد جدید ما شاهد اسامی اقوام و افراد به خصوص، مکان‌های معین و همین‌طور نیز، وقایع خاص هستیم. دنیای کتابمقدس، یک دنیای خیالی و اسطوره‌ای نیست. تمامی وقایع مندرج در کتابمقدس در همین دنیای من و شما و برای انسان‌هایی مثل ما اتفاق افتاده‌اند. بسیاری از

مسائل مورد مجادله دربارهٔ درستی کتابمقدس ، توسط مکاشفات باستان شناسی پاسخ داده شده‌اند. باستان شناسان روز بروز شواهد بیشتری را برای اثبات حقیقت وقایع مندرج در کتابمقدس کشف می‌کنند.

برای مثال ، عهد قدیم از قومی بنام "حَتّیان" نزدیک به ۶۰ بار یاد می‌کند. برای قرون متمادی ، دیرینه شناسان و کسانی که در کار مطالعه دنیای باستان بودند ، با این ادعا که هیچ دلیلی برای اثبات موجودیت این قوم وجود ندارد ، صحت کتابمقدس را زیر سؤال می‌بردند. اگر چه در سال ۱۹۰۶ ، پایتخت "حَتّیان" در فاصله ۱۶۰ کیلومتری شرق آنکارا در ترکیهٔ امروزی کشف شد.^۱

در گذر زمان ، سؤالات منتقدین ، یک به یک توسط مراجع صاحب صلاحیت باستان شناسی و از طریق یافته‌ها و مکاشفات آن‌ها پاسخ داده می‌شوند. یکی از باستان‌شناسان یهودی بنام "لِلسون گِلواک" می‌گوید ؛ "به جرئت می‌توانم گفت که تا به حال هیچ کدام از مکاشفات باستان شناسی خلاف آنچه در کتابمقدس به آن اشاره شده را ثابت ننموده‌اند" (مجله رودخانه در صحرا ، تاریخ تنگ ، صفحه ۳۱).

تمامی مندرجات عهد جدید نیز از طریق مطالعات و تحقیقات و اکتشافات مورد حمایت قرار گرفته‌اند. برای مثال انجیل لوقا و اعمال رسولان که هر دو توسط لوقا نوشته شده‌اند ، مورد احترام محققانی که بروی نوشته‌های آن‌ها در مورد مردمان ، مکان‌های مختلف در دنیای یهود و روم آن زمان ، کار می‌کردند ، قرار دارند. "إف. إف. بروس" در مورد لوقا این چنین می‌نویسد ؛ "مردی که دقت و صحت وی در جاهایی که برای ما قابل امتحان و آزمایش است ، ثابت شده ، می‌تواند در جاهایی که حتی صحت آن برای ما قابل امتحان نیستند نیز صداقت داشته باشد" (نقل از کتاب مدارک عهد

^۱ مردمانی که به طور مکرر از آنان در عهد قدیم یاد شده است : ۴۷ بار با نام اصلی خود و ۱۴ بار به عنوان نوادگان حِت (پیدایش ۱۰ : ۱۵). محل زندگی آن‌ها مجاور جبرون بوده است ؛ زمین آن‌ها محل دفن سارا همسر ابراهیم نیز هست (پیدایش باب ۲۳). عیسو برادر یعقوب برای خود از دختران آنان همسر اختیار نمود (پیدایش ۲۶ : ۳۴ و ۳۶ : ۲). جاسوس‌هایی که موسی برای تجسس سرزمین موعود فرستاد ، آن‌ها را در بلندی‌های مسکون یافتند (اعداد ۱۳ : ۲۹). در زمان فتح سرزمین موعود ، آن‌ها ساکن کنعان بودند و با اسرائیلی‌ها نیز جنگیدند (یوشع ۹ : ۱ - ۲ و ۱۱ : ۳). آن‌ها بعداً در سرزمین اسرائیل زندگی کردند زیرا نوادگان "لوز" در زمین آبا و اجدادی آن‌ها برای خود شهرها ساخته بودند (داوران ۱ : ۲۶). حتی بعد از فتح کامل سرزمین موعود ، آن‌ها را بیرون نکرده و خیلی از اسرائیلی‌ها با آن‌ها ازدواج نموده و رد پای آن‌ها در بین رهروان داود نیز یافت می‌شود (اول سموئیل ۲۶ : ۶). اوريا ، شوهر بَثشبع که داود او را کشت از حَتّیان بود (دوم سموئیل ۱۱ : ۳). سلیمان پادشاه در حرمسرای خود از حَتّیان زنان متعدد داشت (اول پادشاهان ۱۱ : ۱). از آن‌ها به عنوان نیروی کاری استفاده می‌شد (اول پادشاهان ۹ : ۲۰ - ۲۱).

جدید / آیا قابل اعتماد هستند؟ / صفحه ۹۰). باور کردنی بودن آنچه که عهد جدید در مورد دنیای جسمانی اطراف ما می‌گوید ، ما را به سمت یک باور اساسی سوق می‌دهد ؛ حقیقتِ اینکه ، آنچه در مورد دنیای روحانی اطراف ما نیز می‌گوید ، صحت دارد. "جان وارویک موننگومری" در این باره می‌نویسد ؛ "یک تاریخ شناس در مورد عیسی مسیح چه می‌داند؟ اولین چیزی که می‌داند این است که همه مدارک عهد جدید در مورد تصویری که از وی نشان داده‌اند ، قابل اتکا هستند. او می‌داند که هیچ یک از کتب عهد جدید توسط نظری خیرخواهانه و جانب‌دارانه ، پیش فرضیه‌های فلسفی و مانورهای ادبی توجیه عقلانی و دست‌کاری نشده‌اند" (تاریخ و مسیحیت ، صفحه ۴۰).

۲) صحت و دقت علمی کتابمقدس

آیا کتابمقدس و علم با هم در تضاد هستند؟ آیا ما بایستی بین زندگی کردن با ایمان مذهبی و یا اطلاعات علمی ، یکی را انتخاب کنیم؟ گاهی به دلیل اظهارات برخی ، این شبهه ممکن است در ذهن ما ایجاد شود که انتخاب ، حق مشروع ماست. ولی در حقیقت این‌طور نیست. این جدال ظاهری نتیجه استنتاج‌های بدون اساس هر دو جناح می‌باشد ؛ آن‌هایی که به ورای محدوده مناسب و درست تفسیر آیات کتابمقدس می‌روند و یا حتی آن‌هایی که پا به ورای محدودیت‌های علم در تلاش برای متساوی جلوه دادن فرضیه با علم ، گذارده‌اند.

تمامی مباحث در زمان گالیله بر سر این آغاز شد که برخی از رهبران مذهبی در آن موقع بی جهت و بدون داشتن آگاهی در زمینه‌های علمی ، شروع به یاوه‌سرایی در این باره نموده و گفتند که زمین ، مرکز منظومه شمسی است. این مجادله و در شکل دیگر امروز نیز ادامه دارد. گروهی با استناد به اطلاعات علمی این‌طور (و گاهی بسیار کوتاه‌نظرانه) نتیجه‌گیری می‌کنند که کلیه موجودات زنده ، حاصل مراحل تکاملی هستند که از کوچک‌ترین ذره حیاتی آغاز گردیده است.

گروهی دیگر (ما!) این اطلاعات را به گونه‌ای دیگر تفسیر نموده و می‌گویند که این شکل پیچیده حیات که ما می‌بینیم ، تنها می‌تواند حاصل کار خارق‌العاده و آفرینش یک قدرت الوهی و برتر باشد. کسانی که به معجزه اعتقاد ندارند ، با آن‌هایی که می‌گویند که تمامی معجزات مندرج در کتابمقدس عملاً اتفاق افتاده است در تضاد دائمی به سر می‌برند. تمامی این کشمکش‌ها در نتیجه عدم اعتقاد به خداست. چنین مردمانی با کسانی که به خدایی مافوق‌الطبیعه که در زمان‌های مختلف در امور خلاق خود وارد شده ایمان دارند ، در مخالفت دائمی هستند.

اساس این اختلاف ظاهری بین علوم و کتابمقدس در تفاوت میان اطلاعات واقعی و مسجل نیست بلکه در نظرات و نتیجه‌گیری آن‌ها نهفته است. اطلاعات و دانستی‌ها برای هر دو گروه یکسان است. کتابمقدس یک کتاب صرفاً علمی نیست و معمولاً از زبان ایجاز و حکایت برای بیان حقایق زندگی استفاده می‌کند که گاهاً مطابق زبان علوم برای تشریح آن‌ها نیست. برای مثال، در کتابمقدس گفتگو از چهار گوشهٔ دنیا و یا محل و قرارگاه خورشید، شده است. البته علوم با این اظهارات موافق نبوده و آن‌ها را نادرست می‌داند. اما بایستی در نظر داشت که این جملات هیچ‌گاه نبایستی به طور تحت الفظی برداشت شوند. هنگامی که کتابمقدس به طور مستقیم در مورد مسائل علمی صحبت می‌کند، کلام آن کاملاً درست، قابل پذیرش و مطابق اصول علمی می‌باشد.

در تحلیل نهایی، کتابمقدس و علوم با هم در توافق کامل هستند. خدایی که کائنات را خلق نمود و قوانینی که دنیا را اداره می‌کند را به اجرا گذارد، همان خدایی است که کتابمقدس را الهام فرمود. او خدای راستی است و هیچ‌گاه خلاف قوانین خود عمل ننموده و هیچ کاری در تضاد با طبیعت خود انجام نمی‌دهد. بنابراین، هنگامی که کتابمقدس به درستی تعبیر و تفسیر شده و همین طور علوم به نتایج مستدل برسند، آن‌ها با هم در توافق کامل خواهند بود.

۳) صحت و دقت نبوت‌ها و پیش‌بینی‌های کتابمقدس

درباره دکتري که به شما اطمینان داده که هیچ‌گاه دچار عارضهٔ قلبی نخواهید شد و بلافاصله پس از خروج از مطبخ بهتان حملهٔ قلبی دست داده، چه فکر می‌کنید؟ یا در مورد سیاستمداری که وعدهٔ شکوفایی اقتصادی می‌دهد و بعد در اثر سیاست‌های غلطش مشکلات اقتصادی چند برابر می‌شوند، چگونه؟

در چنین مواقعی شما کاملاً محق هستید تا به آنچه آنان در مورد آینده گفته‌اند، مشکوک باشید. حتی شاید به خود بگویید به چه کسی واقعاً می‌توان اعتماد کرد؟ کتابمقدس این‌طور نیست! کلام خدا قابل اعتماد بودن خود را به اثبات رسانیده است.

کتابمقدس هیچ‌گاه در تشخیص خود در مورد مشکلات بشر دچار اشتباه نشده است، هیچ‌گاه وعده‌های پوچ و تو خالی نداده است و هیچ‌گاه به بشر بهانه‌ای برای این باور که کلام خدا مجموعه‌ای از افسانه‌ها، حرف‌های بی‌معنی و یک مشت دروغ است را، نداده است.

آیا می‌توانیم به کتابمقدس اعتماد کنیم؟

یکی دیگر از نشانه‌های قابل اعتماد بودن کتابمقدس ، دقت در نبوت‌های آن است. در واقع این خود کتابمقدس است که الگویی را برای شناخت کسانی که با اختیار از آینده صحبت می‌کنند ، در اختیار ما قرار داده می‌دهد. کلام خدا می‌فرماید که آزمون اختیار یک نبی در دقت و صحت پیش بینی‌های اوست (تثنیه ۱۸ : ۲۰ - ۲۲). در کتابمقدس صدها نبوت مختلف وجود دارند. پس ما می‌توانیم آن‌ها را با استاندارد خود کلام ، محک بزنیم.

برخی از مهیج‌ترین نبوت‌های به انجام رسیده کتابمقدس درباره عیسی مسیح هستند. برای مثال ، در کتاب‌های (اشعیا نبی باب ۵۲ ، آیه ۱۳ تا باب ۵۳ ، آیه ۱۲) و همین‌طور (مزمور ۲۲) جزئیات مرگ وی بر صلیب ثبت شده است. جالب است بدانید که این نبوت‌ها قرن‌ها قبل از اینکه حتی این مجازات پا به عرصه وجود بگذارد ، انجام شده است. به نبوت‌های زیر که به طور مو به مو به انجام رسیده ، توجه فرمایید :

نبوت	تحقق
اشعیا ۷: ۱۴	انجیل لوقا ۱: ۲۶ - ۳۵
میکاه ۵: ۲	انجیل متی ۲: ۱
اشعیا ۷: ۱۴	انجیل متی ۱: ۲۳
اشعیا ۹: ۱ - ۲	انجیل متی ۴: ۱۲ - ۱۶
زکریا ۹: ۹	انجیل متی ۲۱: ۱ - ۱۱
مزمور ۴۱: ۹	انجیل متی ۲۶: ۲۰ - ۲۵
مزمور ۳۵: ۱۱	انجیل متی ۲۶: ۵۹ - ۶۸
اشعیا ۵۳: ۷	انجیل متی ۲۷: ۱۲ - ۱۴
مزمور ۲۲: ۱۶	انجیل یوحنا ۲۰: ۲۵
اشعیا ۵۳: ۱۲	انجیل یوحنا ۲۷: ۳۸
مزمور ۲۲: ۱۸	انجیل یوحنا ۱۹: ۲۳ - ۲۴
مزمور ۳۴: ۲۰	انجیل یوحنا ۱۹: ۳۳
مزمور ۲۲: ۱۵	انجیل یوحنا ۱۹: ۲۸
اشعیا ۵۳: ۹	انجیل متی ۲۷: ۵۷ - ۶۰

یکی دیگر از نمونه‌های شگفت انگیز نبوت‌های به انجام رسیده کتابمقدس ، انهدام شهر صور می‌باشد. قرن‌ها قبل از این اتفاق ، حزقیال نبی پیش بینی کرده بود که شهر صور منهدم شده و حتی ویرانه‌های آن در آب دریا مدفون گشته و دیگر هرگز بازسازی نخواهد شد (حزقیال باب ۲۶). این اتفاق همان‌گونه که گفته شده بود، افتاد. اوّل از همه نبوکدنصر شهر را نابود ساخت و بعد اسکندر مقدونی از ویرانه‌های آن برای ساختن راهی خاکی که جزیره را به خشکی متصل می‌نمود ، استفاده کرد. این پُل خاکی امروز شاهد خاموشی برای حقیقت نبوت‌های کتابمقدس می‌باشد.

دانیال به دقت ترتیب جایگزینی چهار امپراتوری بزرگ ؛ بابلی‌ها ، مادیان/پارسیان ، یونانی‌ها و رومیان را پیش بینی نموده بود (دانیال باب‌های ۲ و ۷).

پیش بینی مجازات خدا علیه نینوا (ناحوم باب‌های ۱ تا ۳) ، عمّون و موآب (ارمیا ۴۸ تا ۴۹) ، بابل (اشعیا ۱۳ تا ۱۴ و ارمیا ۵۱) و ادوم (اشعیا ۳۴ ، ارمیا ۴۹ ، حزقیال ۲۵ و ۳۵) همگی به همان‌گونه که گفته شده بود به انجام رسیدند.

بنابراین ، هرگاه کتابمقدس در مورد مسائل آینده پیش بینی می‌کند ، اظهارات آن دقیق و قابل اعتماد است. صدها نبوت به انجام رسیده ، ما را بر آن می‌دارد که به آنچه کتابمقدس در مورد اتفاقات آینده گفته ، باور داشته باشیم. کتابمقدس خود ، حقایقش را به اثبات رسانیده است.

تأثیر شگرف و عمیق کتابمقدس

یکی دیگر از نشانه‌های قابل اعتماد بودن کتابمقدس ، تأثیر عمیق آن بر جوامع و افراد است. قدرت کتابمقدس برای تغییر زندگی‌ها ، در هر کجا که توسط پیام‌آوران انجیل رفته ، کاملاً مشهود است. به نام‌های زیر که به آن نسبت داده شده است توجه کنید ؛

- ۱ - کتابمقدس ، "کلام حیات" نامیده شده است : (فیلیپیان ۲ : ۱۶).
- ۲ - پیامش ، خبر خوش (انجیل) ، "قوّت خدا برای نجات" نامیده شده است : (رومان ۱ : ۱۶).
- ۳ - کتابمقدس "کلام زنده و مقتدر و برنده‌ی خدا" نامیده شده است : (عبرانیان ۴ : ۱۲).

در اینجا توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که سطح ادعای کتابمقدس در مورد خود ، به نوعی ناشی از کیفیت و قابلیت‌های بی نظیر آن می‌باشد.

(۱) تأثیر عمیق آن بر جامعه

کتابمقدس به هر جا که رفته و توسط مردمان آن محل پذیرفته شده ، تأثیر عمیقی بر فرهنگ آن‌ها گذارده است. تحقیقات بی‌طرفانه نشان خواهند داد که ، کتابمقدس نقشی کلیدی و اساسی برای اخلاقیات بالاتر تحولات اجتماعی ، بهبود شرایط زندگی و یا زندگی بهتر در جوامع مختلف داشته است. در کشورهایی که برده داری در آن‌ها مرسوم بود ، این قدرت کلام خدا بود که مردمان آن را به اشتباهشان واقف نموده و برای آنانی که در بند بودند ، آزادی را به ارمغان آورد.

در ممالکی که در آنها با زنان کمی بهتر از حیوانات رفتار می‌شد ، این موعظه انجیل بود که برایشان احترام و آزادی از ظلم و جور و خفتی که گرفتار آن بودند ، به ارمغان آورد. در مناطقی که سرکوب شدید و رفتار غیر انسانی بسیار شایع بود ، ظهور کتابمقدس مهربانی ، تحمل و رفتار انسانی به ارمغان آورد. مشکل کودکان و بخصوص کودکانی که دارای

ناتوانی‌های جسمی و روحی هستند و به خاطر نقصشان گاه‌ها به طرز شرم‌آوری مورد بد رفتاری قرار می‌گرفتند، تا حد زیادی به خاطر انتشار و پذیرش پیام انجیل بهبود یافته است.

پذیرش کتابمقدس باعث ارتقاء روحیات و آرزوهای مردم بوده است. تصور کنید که دنیا بدون دیدگاه متعالی کتابمقدس چه صورتی می‌توانست داشته باشد. اگر آموزش‌های کتابمقدس را در مورد شرافت و ارزش‌های فردی از این دنیا بگیریم چه چیز در آن باقی می‌ماند؟ تأثیر آموزش‌های اخلاقی آن را از میان بردارید و ببینید چه بر سر این دنیا خواهد آمد.

تمامی تابلوهای نقاشی که عیسی مسیح الهام بخش ترسیم آن‌هاست را از گالری‌های هنری بیرون بیاورید؛ قفسه‌های کتابخانه‌ها را از آثاری که کتابمقدس الهام بخش نوشتن آن‌هاست تهی سازید؛ دنیا را از خطابه‌های شورانگیز، سرودهای زیبا و انگیزه بخش کلیسایی خالی کنید؛ چهره شهرها را از ساختمان‌های عظیم کلیساهای جامع و حتی ساختمان‌های محقر کلیساهای محلی که در طول تاریخ، محلی برای آرام و قرار و امید مردم بوده‌اند، پاک سازید؛ همه این‌ها را از میان بردارید و کنار بگذارید، ببینید آیا چیزی ارزشمند باقی می‌ماند؟ میلتن بدون اشعارش، میکال‌آنز بدون موضوع و دانه بدون رؤیا.^۱

از بشریت قانون برتر اخلاقی کتابمقدس را بگیرد چه بلایی بر سر اجتماع ما، نیروهای قضایی و حتی قاضیان ما می‌آید؟ چه بلایی بر سر ضعیفان، بی‌دفاع‌ها، لگدمال‌شدگان، منکوب‌شدگان، تنهایان و نومیدان خواهد آمد؟

^۱ شاید با خود بگویید که تمامی این‌ها شاعران و نویسندگان خارجی هستند. البته نظر شما کاملاً درست است اگر ما نقش کتابمقدس و پیام انجیل و زندگی عیسی مسیح را در اشعار و آثار ادبی هنرمندان و اندیشمندان بنام ایرانی نادیده بگیریم. اگر نقش کتابمقدس و مسیحیت را در دوران تحول کشورمان نادیده بگیریم؛ اگر رد پای آن را در اشعار کهن و کلاسیک داوری، اقبال، ملک الشعراء بهار، سید اشرف الدین قزوینی (نسیم شمال)، علی اکبر دهخدا، ایرج میرزا، پروین اعتصامی، دکتر حمیدی شیرازی و دیگران نادیده بگیریم؛ اگر رد پای آن را در اشعار نئوکلاسیک مهدی اخوان ثالث، نادر نادرپور، حسن شهباز، مهدی ذکائی، احمد شاملو و نادر ابراهیمی نادیده بگیریم؛ اگر رد پای آن را در آثار نویسندگان و مترجمینی مانند محمد علی فروغی، جلال آل احمد، علی شریعتی، باستانی پاریزی، علی دشتی و علی اصغر حکمت نادیده بگیریم و یا حتی رد پای آن را در هنرهای زیبا مانند مجسمه سازی نقاشی و مینیاتور، معماری، ساختمان و تزیین و همین‌طور موسیقی نادیده بگیریم. به انتها بردن این لیست حقیقتاً در حوصله این دوره آموزشی نمی‌گنجد. اما نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این که رد پای مسیحیت در تمامی جوانب زندگی مشهود و نقش آن در تحولات مثبت جامعه ما انکار ناپذیر است.

در چنین اوضاعی ، تنها تصویری که در مقابل چشمان ما نقش می‌بندد ، دوره عقوبتی است که در کتاب مکاشفه به ما هشدار آن داده شده است. مسلم است که کتابمقدس تأثیری شگرف بر جامعه ما داشته است و این حقیقتی انکار ناپذیر است.

۲) تأثیر عمیق آن بر افراد

تأثیر کتابمقدس تنها بر جوامع نبوده است. کلام خدا باعث تغییر زندگی افراد بسیاری نیز شده است. مردان و زنان مأیوس بی‌یاور و حتی شرور که در حاشیه جنون بوده‌اند ، پناهگاه و نجات خود را با شنیدن و پذیرفتن پیام کتابمقدس یافته‌اند. کتابمقدس به محزونان و غم‌زدگان امیدی تازه بخشیده است ؛ به بی‌قراران و آشفتگان ، آرامش مطلق داده است؛ اقوام پست و ناچیز را به سمت بزرگی هدایت نموده است. اخلاقیات را به حدّ اعلیٰ خود رسانیده است و رهایی و نجاتی خارق‌العاده را برای میلیاردها به ارمان آورده است.

برای لحظه‌ای به "آگوستین" یکی از دانشمندان برجسته قرون چهارم و پنجم و همین‌طور یکی از پدران کلیسا نگاه کنید. اگرچه مادری خداپرست داشت که به طور دائم برای او دعا می‌کرد آگوستین هوش ، استعداد و انرژی خود را وقف مشغولیت‌های نادرست و پلید نموده بود و مسلماً در زندگی آرامش نداشت ؛ در نتیجه او دوره‌ای فشرده و توان فرسا را برای جستجوی حقیقت و آزمایش نفس خود آغاز نمود. او سر خورده و مغموم به جستجوی خود ادامه داد تا اینکه این کلمات را در کتابمقدس خواند ؛ "و با شایستگی رفتار کنیم چنانکه در روز ، نه در بزم‌ها و سکرها و فسق و فجور و نزاع و حسد ؛ بلکه عیسی مسیح خداوند را ببوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نبینید" (رومیان ۱۳ : ۱۳ - ۱۴).

آگوستین بعدها در مورد عکس‌العمل خود نسبت به آیات فوق این چنین می‌نویسد ؛ "حتی یک کلمه پیش‌تر نرفتم و لازم هم نبود. زیرا در انتهای آن جملات و به طور ناگهانی و علیرغم جدال ذهنی ، آرامشی در قلب من حکم فرما شده تمامی تیرگی تردید را از بین برده ، ناپدید نمود." فردی که تا آن زمان یک الکلی سرخورده بیش نبود ، زندگی‌اش چنان دگرگون شد که در انتها اسقف "هیپو" در شمال آفریقا شد ؛ اولین صومعه را در منطقه بنیان گذارد و با نوشته‌های بی‌نظیرش افکار مسیحیان بسیاری را تحت تأثیر قرار داد.

"چارلز هُدان اسپورجین" بیهوده به دنبال آرامش می‌گشت تا اینکه این آیه را از واعظی محلی شنید ؛ "ای جمیع کرانه‌های زمین به من توجه نمایید و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگری نیست" (اشعیا ۴۵ : ۲۲).

"مارتین لوتر" با خواندن آیه زیر از بار گناه خود رها گشته و جرقه تأسیس جنبش اصلاحات پروتستان در قلبش ایجاد شد ؛ "اینک جان مرد متکبر در او راست نمی‌باشد ، اما مرد عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود" (حقوق ۲ : ۴).

"چاک کالسون" یکی از مجرمین و بانیان قائله و اترگیت ، از طریق شهادت مخلصانه یکی از دوستان خود درباره آموزش کتابمقدس ، به حقیقت پی برده و در حال حاضر مسئول مؤسسه‌ای است که هدفش رساندن مژده انجیل به زندانیان می‌باشد. او حتی نویسنده کتابی است به نام "تولد تازه" که تأثیر شگرفی بر آنانی که در بند عواقب کارها و کژ روی‌های خود هستند داشته است.

شنیدن این آیه ؛ "بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید" (انجیل متی ۱۱ : ۲۸) باعث تحول زندگی خود من شد.

صدها هزار نمونه از این داستان‌ها که متعلق به مردم اقصی نقاط دنیا که در اعصار مختلف زندگی می‌کردند ، وجود دارند. اگرچه زمان ، محل و شرایط زندگی این انسان‌ها متفاوت بوده اما همه آن‌ها دارای یک نقطه مشترک هستند ؛ زندگی آن‌ها تحت تأثیر شنیدن پیام و قدرت رهایی بخش کتابمقدس ، عوض شده است.

کتاب مقدس چگونه بدست ما رسیده است؟

چه عاملی مشخص کننده تعلق کتب به مجموعه کتاب مقدس بود؟ چطور شد که ما امروز ۳۹ کتاب در عهد قدیم و ۲۷ کتاب در عهد جدید داریم؟ به این سؤالات در مبحث "کانون" کلام خدا می‌توان پاسخ گفت. کلمه کانون به معنای "شیوه سنجش و اندازه گیری" و یا "استاندارد" می‌باشد. از بین بسیاری از نوشته‌های مذهبی رایج، تنها ۶۶ کتاب به عنوان کلام الهام شده خدا به رسمیت شناخته شده است. در حالی که برخی از کتب بلافاصله به رسمیت شناخته شدند، زمانی نسبتاً طولانی گذشت تا بر سایر کتب به عنوان کلام الهام شده خدا صحه گذارده شد. اگرچه لازم به یادآوری است که در طول این دوره، کانون کلام خدا توسط خدا و نه انسان، معین گردید.

(۱) عهد عتیق (قدیم)

نوشته‌های موسی و یوشع بلافاصله به عنوان کلام الهام شده خدا پذیرفته شدند (خروج ۲۴: ۳)، (یوشع ۲۴: ۲۶). سایر کتب بر اساس معیارهای زیر محک زده شدند؛

الف - تألیف کتاب توسط یکی از پیامبران و یا رهبران تأیید شده قوم اسرائیل.

ب - شواهد درونی الهام و یا اختیار، به نحوی که خواننده قادر به تشخیص بی‌همتایی کتاب در انتقال مکاشفه خدا باشد.

پ - نوشته‌هایی که دارای خطاهای مشهود آموزشی و موضوعی بودند، همگی از بین برده شدند. کتبی که توسط مردمان جوامع مختلف پذیرفته شدند، دارای ارجحیت بودند.

ت - به کتبی که بعداً توسط عیسی و سایر نویسندگان عهد جدید به عنوان کلام خدا اعلام شدند نیز اعتبار داده شد.

دوازده کتاب که بنام "آپاکریفا" معروف هستند به دلایل زیر به عنوان کلام الهام شده خدا پذیرفته نشدند؛

- الف - در هیچ کدام از کانون‌های عبرانی وجود نداشتند.
- ب - از هیچ کدام در عهد جدید یاد نشده است.
- پ - در هیچ کدام از فهرست‌های اولیه موجود نیستند.
- ت - محتوای آن‌ها بسیار اسطوره وار و افسانه گونه است.

(۲) عهد جدید

پذیرش کتب عهد جدید بر اساس آزمایش رسالت نویسنده آن انجام شد. اگر کتب توسط یوحنا، پطرس، سایر رسولان و یا نزدیکان آن‌ها مانند مرقس و لوقا که دارای مجوز از رسولان بودند، نوشته شده بودند، به عنوان کلام خدا پذیرفته می‌شدند.

آن چیز که ما می‌دانیم این است که برخی از روایات غلط در مورد زندگی عیسی مسیح (انجیل لوقا ۱: ۱ - ۴) و حتی نامه‌های نادرست و جعلی (دوم تسالونیکیان ۲: ۲) در بین مردم آن زمان رواج داشته است و به همین دلیل تشخیص صحت آن مدارک بسیار حائز اهمیت بوده است.

پدران کلیسا از مُلهم بودن کتب موجود در کانون عهد جدید به طور کامل پشتیبانی نموده‌اند و در این راستا با دقت کتب مزنون را شناسایی نموده و آن‌ها را از میان برداشتند. "شورای هیپو" در سال ۳۹۳ میلادی و "شورای کارتاژ" در سال ۳۹۷ میلادی، ۲۷ کتابی که امروز در مجموعه عهد جدید موجود است را به عنوان کلام وحی شده خدا به رسمیت شناختند.

(۳) چرا برخی از کانون‌های کتاب‌مقدس مشتمل بر ۶۶ کتاب و برخی حاوی ۷۳ کتاب است؟

کلام خدا تنها شامل ۶۶ کتاب است. این کتب اضافی که در کتاب‌مقدس‌های چاپ کلیسای کاتولیک روم موجود است، توسط شورایی بنام "تِرنت" در سال ۱۵۴۶ به کانون کتاب‌مقدس اضافه شده است. این طور که از جوانب امر به نظر

آیا می‌توانم به کتاب مقدس اعتماد کنم؟

می‌آید ، کاتولیک‌ها این کار را برای مبارزه با نهضت پروتستان که در آن زمان شیوع فراوان یافته بود ، انجام دادند. آنها با این کار قصد داشتند که شکافی غیر قابل عبور بین هواداران خود و پروتستان‌ها ایجاد کنند.

فصل سوم

سخنان بزرگ مردان تاریخ در مورد کتاب مقدس
مخلص کلام

سخنان بزرگ مردان تاریخ در مورد کتابمقدس

آبراهام لینکلن : (رئیس جمهور اسبق ایالات متحده آمریکا)

"من معتقدم که کتابمقدس بهترین هدیه‌ای است که خداوند به انسان عطا فرموده ؛ تمام نیکویی‌هایی که در نجات دهنده (عیسی مسیح) به ما می‌رسد در این کتاب بر ما مکتوف گردیده است."

ناپلئون بناپارت : (امپراتور فرانسه)

"کتابمقدس فقط یک کتاب نیست بلکه موجودی زنده ، که با قدرت بر تمام مخالفان خود پیروز می‌گردد."

ملکه ویکتوریا : (در اواخر قرن ۱۹ بر انگلستان حکومت می‌کرد. در زمان او کشورش به پیشرفت‌های بزرگی نائل گردید).

"انگلستان عظمت خود را مدیون کتابمقدس است."

عمانوئیل کانت : (فیلسوف بزرگ آلمانی)

"وجود کتابمقدس بزرگ‌ترین نعمت برای بشر می‌باشد. هر نوع کوشش جهت کم ارزش نمودن آن ، جنایتی است علیه بشریت."

اسحاق نیوتن : (ریاضی و فیزیکدان انگلیسی)

"کتابمقدس از هر کتاب تاریخی معتبرتر و با قدرت‌تر است."

گوته : (مؤلف و نویسنده آلمانی)

"انسان هر اندازه که در فرهنگ و اخلاق پیشرفت کند ، نخواهد توانست از اصول اخلاقی و فرهنگی مسیحی که در اناجیل آمده است ، فراتر رود."

هنری واندایک : (نقاش معروف اروپائی)

"کتابمقدس در مشرق زمین تولد یافت ، با شکل و شمایل شرقی ملبس گردید و به تمام نقاط سفر می‌کند و دوستان خود را می‌یابد. به صدها زبان با قلوب مردم سخن می‌گوید. کودکان با خوشحالی و حیرت به داستان‌های آن گوش می‌دهند ؛ حکما در تعالیم آن تعمق می‌کنند تا آن را راهنمای زندگی خود گردانند. هشدارهایش برای شریران هراس انگیز می‌باشد اما پیام آن برای شکسته دلان و توبه کاران همچون صدای مادر شیرین و دلنواز است. کسی که این گنج را دارد ، هرگز فقیر و منزوی نخواهد شد."

مفصل کلام

حال که شواهد لازم را برای صحت و کمال کتابمقدس در اختیار دارید ؛ حال که می‌توانید با آرامش و در ورای هر سایه شک به آن به چشم مکاشفه خواست خدا برای بشر نگاه کنید ؛ حال که در واقع به قدرت و مشیت خدا برای حفظ کلام خود از هر گونه تغییر و تحریف در محتوی و آموزش پی برده‌اید ؛ حال که می‌دانید کلام خدا قدرتمند و قادر به تغییر زندگی شما به سمت بهتر است ؛ شاید در دل خود پرسید که خواست و اراده خدا واقعاً برای بشر چیست؟ کتابمقدس در این باره چه می‌گوید؟ این سؤالی است که مردم در آن زمان از عیسی پرسیدند. عیسی مسیح در جواب به ایشان گفت ؛

"بدو گفتند : چه کنیم تا اعمال خدا را بجا آورده باشیم؟ عیسی در جواب ایشان گفت: عمل خدا این است که به آن کسی که او فرستاد ، ایمان بیاورید. بدو گفتند : چه معجزه می‌نمایی تا آن را دیده به تو ایمان آوریم؟ چه کار می‌کنی؟ پدران ما در بیابان من را خوردند ، چنانکه مکتوب است که از آسمان بدیشان نان عطا کرد تا بخورند. عیسی بدیشان گفت : آمین آمین به شما می‌گویم که موسی نان را از آسمان به شما نداد ، بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد. زیرا که نان خدا آن است که از آسمان نازل شده ، به جهان حیات می‌بخشد. آنگاه بدو گفتند : ای خداوند این را پیوسته به ما بده. عیسی بدیشان گفت : من نان حیات هستم. کسی که نزد من آید ، هرگز گرسنه نشود و هر که به من ایمان آرد ، هرگز تشنه نگردد ... و اراده فرستنده من این است که هر که پسر را دید و بدو ایمان آورد ، حیات جاودانی داشته باشد و من در روز باز پسین او را خواهم برخیزانید." (انجیل یوحنا ۶ : ۲۸ - ۳۵ ، ۴۰).

فیض و سلامتی از جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح با شما باد. آمین